

گزارشی درباره دروس‌های ثبت نام خانوادگی در مشهد به مناسبت روز ثبت‌احوال

فامیل به روایت تاریخ

فامیلی، تعریفی یا تخصیصی است و تکرار آن با مقصود اصلی منفای دارد. چنان که کلمه «نبری» که این بنده در سال ۱۲۹۸ خورشیدی در شعبه‌سجل احوال تهران برای خود انتخاب و ورقه آن تحت نم‌ره ۲۰۸۲ ثبت و در دست است، در خراسان مکرر شنیده می‌شود. چون این بنده حق سبقت بر تمام افراد دارم از همنام‌های فعلی تقاضا می‌نمایم که مراعات الاقدام فی الاقدام را نموده، نام دیگری برای خود انتخاب نمایند. ناصری نیری، عضو تأمینات خراسان، تصحیح نام فامیل هم که با غلط های املایی همراه می‌شده، یکی دیگر از دردسرهای ثبت فامیل بوده که ساعدالسلطان نامی آن را تجربه کرده است: «در نام فامیلی آقای ساعدالسلطان دو اشتباه شده، اولاً نم‌ره فامیل ایشان ۲۱ است که ۱۲ ثبت شده و دوما ایشان نام خود را به امیرحسین رجالی تغییر داده که به‌اشتباه رجایی خورده است.» در اعلان دیگری متعلق به اوایل قرن نیز یکی به‌اشتباه نام شاهزاده‌ای قاجاری را «عنقایی» نوشته که پس از شکایت به «جاوید اسدی» تغییر پیدا کرده است.

● **سامان‌دهی به ثبت‌احوال مشهد**
۴ مرداد ۱۳۰۶ با تصویب وزارت داخله شاهزاده حاج مرتضی میرزا به ریاست سجل احوال خراسان منصوب می‌شود و این نخستین گام برای به سامان رساندن وضعیت سجل احوال در ارض اقدس است، زیرا با آمدن حاج مرتضی میرزا بسیاری از مشکلات گذشته حداقل در مشهدرفع می‌شود. روزنامه‌آزادی ۲۲ بهمن ماه ۱۳۰۶ مطلبی با نام «سجل احوال خراسان، خطاب به وزارت خارجه منتشر کرده است که اطلاعاتی خواندنی درباره فرازوفرود شکل‌گیری اداره سجل احوال خراسان در آن آورده شده است. به‌موجب این مطلب، بعد از تصویب قانون تأسیس اداره سجل احوال در شهرستان‌ها، راه‌اندازی این اداره در خراسان، به تعویق می‌افتاده است تا اینکه والی خراسان، شاهزاده حاج مرتضی میرزا را عهده‌دار این کار می‌کند. او که هیچ اعتبار مالی‌ای برای راه‌اندازی این اداره در اختیار نداشته است، با خون جگر و سیاست‌هایی که به کار می‌گیرد، آن را سرپا می‌کند. در این میان برخی اهالی مشهد که از احراز هویت خودداری می‌کردند اما ازانجاکه شاهزاده مرتضی میرزا از اعتبار و وجهه خوبی در بین مردم خراسان برخوردار بود، توانست دوباره پای اهالی مشهد را به این اداره بازکند. شوق و جدیت مردم در تعیین نام‌فامیل و گرفتن ورقه‌هویت به اندازه‌ای بوده است که هیاهوی جمعیت، همه نیروهای اداره را تا یکی دو‌ماه به‌کار می‌گیرد،آن‌هم در شرایطی که وضعیت حقوقی این نیرو‌ها هنوز مشخص نبوده است.

یکی از جراید مشهد آذر ۱۳۰۶ یعنی چند ماه پس از ورودحاج مرتضی‌میرزا با‌تاکید بر تعداد اوراق هویتی صادر شده، می‌نویسد: «از ۲۱ مردات تا چند روز قبل تعداد تعرفه‌های صادره هویت بالغ بر بیست هزار بوده است، همچنین از چند روز قبل برای سرعت جریان امور سه شعبه در سه ناحیه شهر تأسیس شده که اهالی برای اخذ اوراق دچار زحمت نشوند. امیدواریم به‌زودی وسایل تأسیس اداره احصائیه در ولایات خراسان هم فراهم شود که اهالی ولایات نیز زودتر به این فایده نایل شوند.»

این عدد دو سال بعد در دی‌ماه به دویست و هفت هزار و نهصد ورقه می‌رسد که نود و چهارهزار تای آن متعلق به شهر مشهد و بقیه مربوط به حومه مشهد و کلات و سرخس بوده است.

ناگفته‌نماند مرداد ۱۳۰۷ قانون جدید ثبت احوال تصویب شد و چون ۲ وظیفه ثبت وقایع و جمع‌آوری آمار‌های مختلف به این اداره محول شده بود، نام آن به اداره «احصائیه و سجل احوال کل مملکتی» تغییر پیدا کرد. از این تاریخ به بعد، به تناسب تغییر و تحولات به

کمال سیستماتی | مشروطه در ایران اسباب رویدادهای مهم بسیاری است که از این میان صدور اوراق هویت و ثبت‌نام و فامیل برای ایرانیان پرچالش‌ترین آن‌هاست که انجام تمام‌وکمال آن و به قولی روی غلتک افتادنش سال‌ها زمان می‌برد، زیرا شامل دست‌اندا‌زهای زیادی مثل احکام شرعی صدور شناسنامه برای زنان ثابت‌نشدن نام‌فامیل تکراری می‌شده است. نخستین خبر ثبت شده درباره ثبت‌احوال مشهد نشان می‌دهد اوایل اسفند ۱۳۰۴ خورشیدی، باروندافزایش جمعیت و همچنین لزوم ثبت مشخصات شهروندی، وزارت داخله شروع می‌کند، حکام مناطق و مأموران این کار (همگی مستخدمان وزارتخانه دولت علیه ایران بودند) را برای توجیه و توضیح لزوم داشتن اوراق هویتی و مراحل صدور آن تعلیم می‌دهد تا پس از این تعلیم، ثبت نام فامیل آغاز شود. انتخاب‌نام‌فامیل هم‌راه‌های مشخصی داشته که معمولاً بر اساس نام طایفه، خاندان، لقب و شغل انجام می‌شد.

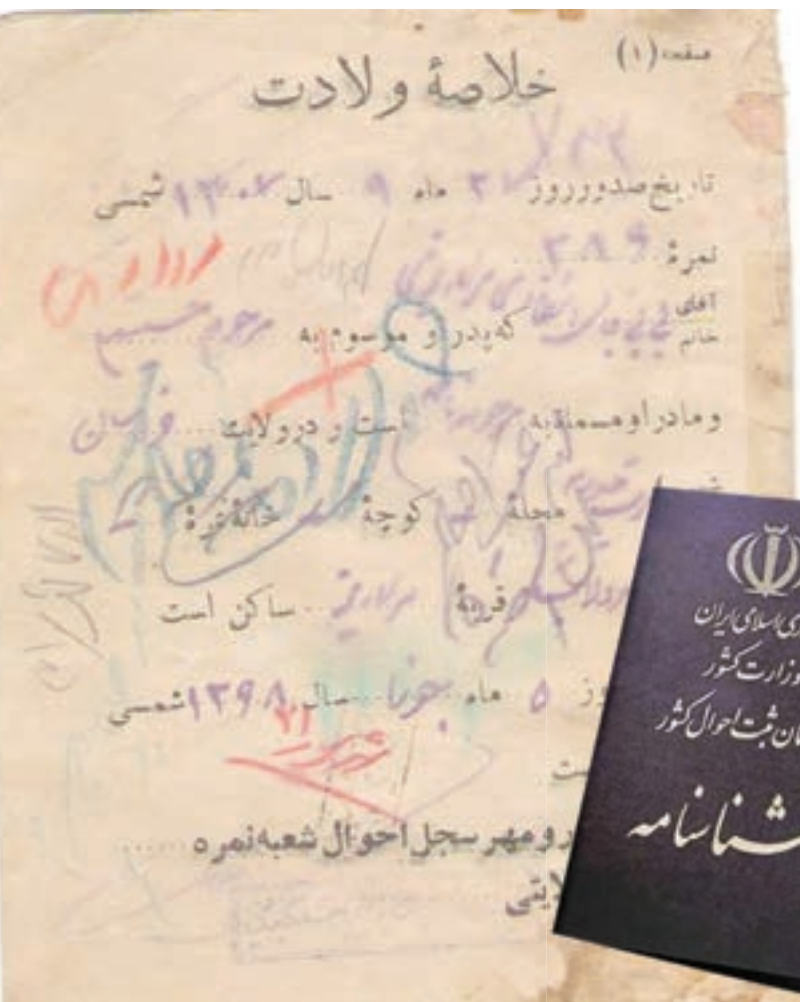
● **نخستین فامیل‌ها چه کسانی ثبت کرده‌اند**

سوای این به روایت اسناد موجود، عنوان داران درباری، نوکران مشاغل دولتی و شاهزادگان قاجاری نخستین گروه‌هایی هستند که برای انتخاب نام فامیل پیش قدم می‌شوند. در واقع پس از اینکه در فروردین ۱۲۹۷ خورشیدی، اداره‌ای به نام «سجل احوال» در وزارت کشور تأسیس می‌شود، همه لقب داران دوره قاجاری تصمیم می‌گیرند شهرت قاجاری خود را کنار بگذارند و برای خود، نام دیگری برگزینند که این انتخاب فامیل به چندروش انجام می‌شده است. یکی از آن‌ها انتخاب نام خانوادگی بر اساس شغل، پیشه یا هنر مرسوم در یک خانواده همچون صراف، جواهرپان، آموزگار، پزشکیان و… بوده است. همچنین موطن و اصل ونسب مثل کرمانی، مشهدی، تهرانی نیز ملاک انتخاب فامیل قرار می‌گرفته است، ولی برخی مأموران ثبت، ویژگی‌های خلقی یا فیزیکی را هم که فرد به آن شهره بوده است، مدنظر قرار می‌داده‌اند،مهربان،امانت‌دار،خوش خلق، قهرمان و پیل‌تن از آن جمله است.

● **دردسرهای انتخاب فامیل در مشهد**

ثبت احوال مشهد کمتر از یک سال بعد از تاریخ رسمی تصویب قانون آن در ۱۳۰۵ خورشیدی افتتاح می‌شود، ولی مراحل انتخاب فامیل و صدور شناسنامه تا سال‌ها بعد به درازا می‌کشد آن چنان که این را می‌توان تا سال‌های نزدیک به جنگ جهانی دوم نیز مشاهده کرد. این یعنی با اینکه در این دوران ثبت‌احوال مشهد هنوز قوام ندارد و با مشکل مأموران ثبت، ویژگی‌های است، ولی مردم شروع به انتشار اعلان نام فامیل خود در روزنامه‌ها می‌کنند. جالب است بدانید که مردم آن دوره، آن قدر روی نام فامیل خود حساس بوده‌اند که گاهی انتخاب یک فامیل مشترک از طرف دو نفر به دعوا و درگیری‌های بزرگی هم می‌انجامید. برای نمونه آقای اکبرآقا ناظم سال ۱۳۰۵ در یک اعلان عمومی در جریده آزادی نام «شهریاری» را با نام خود ثبت و تقاضا می‌کند احدی این نام را برندارد و از ثبت آن برای خود خودداری کند.

آگهی‌های بسیاری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد مردم از این همین حساسیت تا چند بار نام فامیل خود را تغییر می‌داده و مدام شناسنامه جدید دریافت می‌کرده‌اند. به این اعلان که روزنامه اطلاعات در سال ۱۳۰۶ منتشر کرده بود دقت کنید: «چون هر خانواده‌ای ناگزیر از گرفتن و اعلان نامی برای خود و خانواده است، بنابراین به افتخار ایرانی‌ت کلمه آریایی را سجل احوال خود معرفی نموده مطمئن است پس از این دوستان به کلمه «افشار» یا «گلچین» خطایم نسانند. میرزا علی اصغر آریایی.» البته در هنگام صدور سجل، یک برگه با نم‌ره ثبت به دست فرد می‌داده‌اند که مشخص می‌کرده او در چه تاریخی این نام را برای خود انتخاب کرده است تا اگر فامیلش توسط فرد دیگری انتخاب شد، او بتواند با ارائه این نم‌ره ثبتی، اولویت خود را به اثبات برساند. آنچه ناصری نیری در سال ۱۳۰۵ نوشته و چاپ کرده هم یک نمونه از این مشکل یاد شده است: «فلسفه نام



روایت نخستین کلاهدرداری با جعل شناسنامه در ۹۲سال پیش

سیستانی اوراق هویتی در ابتدای قرن یعنی زمانی که هیچ کدام از فهرست‌بندی‌های ثبتی شکل نگرفته بودند، تنها یک برگ مقوایی بوده که جعل آن کاری نداشته است لذا محل تقلب بسیار بوده‌اند. نخستین خبر جعل اوراق هویتی در مشهد هم مربوط به تیر ۱۳۰۹ خورشیدی بوده که در آن یک تاجر پارچه با جعل اوراق هویتی برای برات‌های سرقتی، مبالغ بسیاری را به وسیله این برات‌ها از بانک در روسیه دریافت می‌کرده است. سطرهای بعدی شرح گزارش این جعل شناسنامه در مشهد قدیم است که جریده آزادی آن را در ۱۶ تیر همان سال چاپ و منتشر کرده است.

● **جعل وثقلب**

روز چهارشنبه ۱۱تیر۱۳۰۹ یک نفر برای شهادت، با ورقه هویت به اداره سجلات می‌رود و ورقه هویت را در آنجا ارائه می‌دهد. مأمور سجلات در اطراف این ورقه هویت برای تنظیم تقاضانامه تحقیقات می‌کند، می‌بیند شخص آورنده از این ورقه بی‌اطلاع است. شاهزاده رکنی متصدی شعبه(ثبت احوال مشهد) احساس می‌کند که ورقه به دیگری متعلق است و شخص آورنده بی‌ربط این ورقه را به خود نسبت می‌دهد. لذا از خود(آن شخص) سؤال می‌کند، اظهار می‌دارد، این ورقه را محمداق‌ر داده است که برای شهادت حاضر بشوم. محمد باقر را احضار کرده و درباره ورقه هویت از مشارالیه سؤالات می‌کنند، پس از تحقیقات، قضیه مشکوف و معلوم می‌شود که میرزاعلی اکبر حریر فروش، طاق‌دار ساکن کاروان‌سرای شال‌فروش‌ها، برواتی(برات‌هایی) به اسامی اشخاص مختلف به دست می‌آورده و اوراق هویت‌هایی به اسامی همان اشخاص جعل و به مدرك هویت‌های جعلی از بانک روس دریافت می‌کند، علی‌الظاهر شخص مذکور در روسیه یک نفر را داشته که کاملاً مواظب بوده، چه برواتی از بانک صادر می‌گردد و فوراً هویت شخصی به اسمش برات صادر شده، به علی اکبر معرفی کرده و مشارالیه ورقه‌ای به اسم او تنظیم و برات را دریافت می‌کرده است. ترتیب صدور اوراق هویت جعلی نیز به این طریق بوده است که مرتکب اشخاص مجهول‌ال‌هویه‌ای به اداره می‌فرستاده و شهادت‌هایی هم برای آن‌ها می‌تراشیده و به اسامی که منظور داشته، ورقه صادر می‌کرده است. شاهزاده رکنی کاشف قضیه مراتب را به ریاست محترم اطلاع دارد و از طرف اداره سجلات از اداره محترمه نظمیه تقاضای تعقیب شد. اداره نظمیه یک نفر مأمور فرستاد به اتفاق شاهزاده رکنی و محمداق‌ر به حجره میرزا علی اکبر مرتکب قضیه(مجرم) رفته و مشغول تفتیش می‌شوند، در ضمن تفتیش ۵طغری ورقه هویت و چهل و شش مهر ثبت به اسامی مختلف به دست می‌آوند و از شاگرد‌های مشارالیه تحقیقات می‌کنند، معلوم می‌شود که میرزا علی اکبر مدت‌هاست که به نام اشخاص، اوراق هویت تنظیم می‌کند. اداره سجلات به تقاضانامه‌های اوراق مکشوفه مراجعه می‌کند و می‌بیند که خود میرزا علی اکبر برای هویت یکی از آن اوراق شهادت داده است.

شخص مرتکب همچنین شش طغری برات به آقاچان نامی داده است که او بروات مذکور را به وسیله هویت‌های جعلی گرفته و مبلغ صد تومان و کسری از آن را به میرزا علی اکبر داده و باقی را خود نگاه داشته است. قضیه از ناحیه عدلیه تعقیب و در دایره استنطاق قرار توقیف میرزا علی اکبر صادر شده است.

وجودآمده در کشور، قانون ثبت احوال نیز به‌دفعات، مورد تجدیدنظر، تغییر و اصلاح قرار گرفت. در سال ۱۳۲۷ قسمت آمار از ثبت‌احوال جداشد و خود با نام «اداره کل آمار عمومی» شروع به فعالیت کرد که به‌موجب مصوبه بعدی در سال ۱۳۲۴ به نام «مرکز آمار ایران» شناخته

روند شکل‌گیری ثبت احوال در ایران

۱۲۹۷	۱۳۰۴	۱۳۰۷	۱۳۱۳	۱۳۵۵	۱۳۶۳	۱۳۷۰
ثبت احوال در تهران دروزارت داخله(وزارت کشور)تأسیس شد و به تدریج در نقاط دیگر توسعه یافت.	صدور شناسنامه برای خدمت نظام وظیفه، ورود کودکان به دبستان و انجام معاملات تجاری و اقتصادی الزامی شد.	از آنجا که وظیفه جمع‌آوری آمارهای مختلف به اداره سجل احوال محول شد؛ نام این اداره نیز به «اداره احصائیه و سجل احوال» تغییر یافت.	ثبت نام خانوادگی اجباری شد؛ براساس این قانون، سرپرست خانواده باید برای فرزندان خود نام خانوادگی انتخاب می‌کرد.	با تعریف وظایف و ساختار جدید، «اداره کل آمار و ثبت احوال» به «سازمان ثبت احوال» تغییر نام داد.	در این سال، برخی وظایف و آیین‌نامه‌های این سازمان ازسوی مجلس شورای اسلامی بازنگری شد.	قانون تخلفات، جرائم و مجازات‌ها مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد.



دهه در روستای بید، درخت چنار روستای «دلک آباد»، و «سرکاریز بالا، و «کاریز ته»، در روستای بیدخور از جمله درختان چنار توابع شهرستان جوین هستند. همچنین درختان چنار کهنسال «استخر، و «مسجد، در روستای ارگ نوجوی شهرستان جوین و درخت ارس کهنسال «قشلاق، روستای نوروزی، درخت چنار کهنسال قنات «روستای عنابستان، به همراه درخت چنار کهنسال «قنات، در روستای نوده انقلاب همگی در شهرستان خوشاب هستند که در فهرست میراث طبیعی کشور ثبت شدند.

گروه تاریخ و هویت - پرونده دوازده درخت چنار و ارس کهنسال در استان خراسان رضوی پس از بررسی در شورای ثبت ملی میراث طبیعی به ثبت ملی رسیده است. محمود طغریایی، مسئول ثبت آثار تاریخی، اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی با اعلام این خبر گفته است که این آثار در شهرستان‌های طرقبه شاندیز، جوین و خوشاب واقع شده‌اند. درخت چنار کهنسال در کنار مسجد «روستای دهیار، در شهرستان طرقبه شاندیز و درختان چنار «قنات بشیر»، «بوستان» و «پایین

خبر روز

۱۲درخت کهنسال در خراسان رضوی ثبت ملی شد

درنگ

دوم تا پنجم دی؛ روزهای خاص انقلاب در مشهد(۱)

۸ شهید در حمایت از مرجعیت

ناگفته‌های روزهای مبارزات مردم ایران علیه رژیم پهلوی در سال ۱۳۵۷ به‌رغم گذشت نزدیک به ۴۴ سال از آن روزها هنوز بسیار است. دلیل اصلی این امر توجه ویژه اغلب نویسندگان و اهل تاریخ به رخ داده‌ها و حوادث این دوران در پایتخت و غفلت از وقایع مهم شهرستان‌های کوچک و بزرگ در این دوران است.

وقایعی که به هنگام بررسی تاریخ انقلاب اسلامی برخی از آن‌ها چون وقایع دهه نخست دی‌ماه در مشهد از رخ داده‌های همین دوره در تهران از اهمیت بالاتری برخوردار هستند، البته در بین وقایع روزهای ابتدایی دی سال ۵۷در مشهد آنچه در ۹ و ۱۰ دی رخ داده به‌دلیل قتل عام بزرگ مردم توسط عمال رژیم پهلوی در این دوروز مورد توجه اهل تاریخ قرار گرفته است، اما وقایع دوم تا پنجم دی‌ماه این شهر که زمینه‌ساز اصلی حوادث روزهای بعد بوده، به‌طور کامل از دید اهل تاریخ پنهان مانده است.

روایت این روزها را در ذیل مرور کنید:

● **صبح دوم دی**

حمله نظامیان به بیمارستان امام رضا^(ع) در ۲۲ آذر ۱۳۵۷ آن چنان برای مردم مشهد تحمل‌ناپذیر بود که پس از آن به‌صورت روزانه به تظاهرات علیه رژیم پهلوی پرداختند و خواستار بازداشت و مجازات عوامل این حمله شدند. این رفتار با پایان آذرماه نیز متوقف نشد و در روزهای نخست دی نیز به‌رغم گذشت بیش از یک هفته از آن فاجعه ادامه داشت. مردم در تظاهرات این روزها به‌طور علنی خواستار پایان سلطنت پهلوی شدند. روز ۲ دی‌ماه، دو راهپیمایی جداگانه صبح و بعدازظهر در مشهد انجام شد. در تظاهرات صبح اقشار مختلف مردم، بازاربان، دانشگاهیان و فرهنگیان به همراه روحانیت مبارز و دیگر انقلابیون از ساعت ۱۰ باصدا، در مسیر خیابان‌های امام رضا^(ع)، خسروی، خسروی‌نو و امام خمینی راهپیمایی کردند که راهپیمایان در آن، عکس‌هایی از امام خمینی^(ع)، دکتر شریعتی و سیدهای گل با خودهمراه داشتند. آنان در پایان این راهپیمایی وارد رواق امام خمینی^(ع) (صحن پهلوی سابق) شده و پس از شنیدن سخنرانی شهیدان کامیاب و هاشمی‌نژاد با اقامه نماز جماعت ظهر و عصر به تظاهرات پایان دادند. شهربانی مشهد بر اساس آنچه در آرشیمرکز اسناد انقلاب اسلامی خراسان ثبت است، در گزارشی به تهران راهپیمایی فوق را این گونه توصیف کرد: «تعداد ۲۰۰۰ نفر از طبقات مختلف در راهپیمایی صبح روز دوم دی‌ماه شرکت داشتند و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد علیه رژیم پهلوی سخنرانی نمود و پس از سخنرانی تعدادی از آن‌ها به‌طرف منزل آیت... سید عبدا... شیرازی به حرکت درآمدند».

● **عصر دوم دی**

تظاهرات اصلی و تاریخ‌ساز این روز مشهد بعدازظهر برگزار شد. طبق اسناد و خاطرات موجود، ابتدا عده‌ای نزدیک پانصد نفر مقابل منزل آیت... العظمی سید عبدا... شیرازی در نزدیکی چهارراه شهدا (چهارراه نادری سابق)، جمع شده و به خواندن اعلامیه و تبادل نظر پرداختند. این وضعیت تا حدود ساعت ۱۴:۳۰ بعدازظهر که مأموران فرماندار نظامی به‌منظور متفرق کردن جمعیت شروع به تیراندازی هوایی می‌کنند، ادامه داشت. البته تیراندازی‌های رخ داده نتیجه عکس داد و تعداد بیشتری از مردم در قافصل چهارراه شهدا تا کوچه آب‌میرزا تجمع کردند. ارتشی‌های حاضر در محل پس از گزارش وضعیت به فرماندار نظامی و صدور دستوری به ناگاه تیراندازی به‌سوی مردم را شروع کردند. بر اثر این تیراندازی عده‌ای از مردم مجروح و شهید شدند. همین امر باعث خشم بیشتر مردم شد تا حدی که مردم بی‌سلاح به تانک‌ها و مأموران هجوم آوردند و یکی از نظامیان را دستگیر و نزد آیت... العظمی شیرازی بردند.

● **روایت یک شاهد**

جعفر خورشیدی که بخشی از این وقایع را عکاسی کرده، روایت دقیقی از عصر دوم دی مشهد در گفت‌وگو با مرکز اسناد انقلاب اسلامی خراسان ارائه داده و گفته است: «مردم مثل همه روزها در چهارراه شهدا جمع شده بودند، چون شروع راهپیمایی‌ها معمولاً از آنجا بود. ناگهان با بلندگو از سوی مأموران رژیم اعلام می‌شود که متفرق شوید، اینجا محل تجمع نیست، اما مردم مقاومت می‌کردند و گوش به حرف مأموران نمی‌دادند. درگیری شروع شد. یک جوان که حدود ۲۰ سال داشت، از میان جمعیت پرید روی یکی از تانک‌ها تا با خدمه تانک صحبت کند، تا توجه‌به اینکه سلاحی هم در دست نداشت، مسلسل چی تانک مقابلش که حدود بیست متری اش ایستاده بود، این جوان را با رگبار مورد هدف قرار داد و او را به زمین غلتاند. یکی از روحانیون جلوی تانک آمد تا نسبت به عمل خونین خدمه تانک اعتراض کند، آن روحانی را هم شهید کردند. در همین حال یک قصابی که از داخل مغازه شاهد شد، ماجرا بود، به‌شدت ناراحت شد و حالت جوانمردی‌اش گل کرد، کاردش را دست گرفت و آمد جلوی تانک و خطاب به خدمه‌های تانک گفت: «ای بی‌دین، اگر مرد هستی بیا پایین»، درحالی‌که پیراهنش را درآورد و کارد را نیز کنار انداخت و گفت: «بیا با هم تن‌به‌تن بجنگیم»، او را هم با تیر زدند و نصف سرش رفت. به همین شکل درگیری شروع شد و این سه نفر را من این جور دیدم که شهید شدند».

● **گزارش شهربانی**

البته روایت رژیم پهلوی از دلایل آغاز این درگیری گونه‌ای دیگر است. بر اساس گزارش کلا‌نتری بخش ۳ مشهد که در آرشیمرکز اسناد انقلاب اسلامی خراسان با شماره بازبایی ۱۹۶ ثبت شده، ساعت ۱۴:۳۰ مورخ ۱۳۵۷/۱۰/۴ عده‌ای از مردم ۱۹۶تظاهرکننده در خیابان نادری (شیرازی)، در کوچه مقابل منزل آیت... العظمی سید عبدا... شیرازی، یک سرهنگ شهربانی را دستگیر و به داخل مغازه پارچه‌فروشی بردند و او را کتک زدند. در همین زمان اکیپ فرماندار نظامی منطقه، جهت دستگیری تظاهرکنندگان و نجات افسر شهربانی به آنجا اعزام شدند. سرهنگ مزبور، پس از کتک کاری آزاد می‌شود، ولی مردم همچنان به مقابله با نیروهای فرماندار نظامی ادامه می‌دهند و به‌طرف اتومبیل جیب و تانک‌ها و نفر‌برها با سنگ و آجر حمله‌ور می‌شوند، شیشه‌های اتومبیل را می‌شکنند و یک نفر از آن‌ها مجروح و توسط آمبولاس به بیمارستان منتقل می‌شود.

● **دلیل حمله**

بر اساس اسناد موجود در جریان این تظاهرات و حمله مأموران رژیم به سمت جمعیت انقلابی، ۸ نفر شهید و ۶۲ مجروح شدند و بدین گونه روز خونین دیگری در تاریخ انقلاب اسلامی مشهد خلق شد. روزی که هدف مأموران رژیم از ایجاد آن ارباب و تهدید روحانیت بود، زیرا برای رژیم قطعی شده بود در صورتی که بیوت مراجع به‌عنوان پناهگاه انقلابیون باقی بماند، نظام شاهنشاهی پایدار نخواهد ماند.

شهریار

SHAHRARANEWS.IR
شهریار
شماره ۲۳۴
دوره ۱۳۴۴

۱۵

تاریخ و هویت